

تاریخچه ای از خط و دبیره

نویسنده: یزدان صفایی

«از زبان سومری واژه dipI به معنی کتیبه در فارسی باستان وارد شده که در فارسی دری به صورت «دب» در «دبستان» و «دبیر» و به صورت «دیو» در «دیوان» باقی مانده است.» (۱)

واژه «دبیره» و «دفتر» نیز از همین ریشه است و دستیابی ایرانیان بر «دیپ» و «دبیره» در شاهنامه فردوسی به پیروزی بر «دیو» و «دیوان» بدل گشته است. (۲)

«در زمان های کهن، به انگیزه هایی که هنوز به درستی آشکار نیست، هر یک از هفت سیاره ی شناخته شده ی آن روزگار را با شغل و پیشه ای، همبسته می دانستند. یکی از این سیارات که به نام های «عطارد» و «تیر» می شناسیم و در ایران غربی «نبو» خوانده می شد، با نگارش و نویسندگی در پیوند بود. واژه های نبشتن (نوشتن) و نبی از ریشه ی «نبو» ایزد کتابت می باشد.» (۳)

دبیره (خط) و نگارش، دورانها و مراتب گوناگونی را سپری کرده است تا امروز به این جایگاه رسیده است. از زمانی نامعلوم، انسان نیاز به نقش کردن یا تصویر کردن اندیشه ها را در خود حس کرد. او این مرحله را با نگارش آغاز کرد. بدین منظور تصویرها و نگاره هایی را بر تخته سنگها را برای ارتباط مکتوب، حک کرد و بدین سان خط یا دبیره تصویری آغاز شد.

نخستین نگاره ها روی سفال ها، نخستین گام برای نوشتن بوده است و برخی دانشمندان مانند گیرشمن زادگاه نخستین سفال های منقوش را نواحی ایران غربی می دانند، پس در آغاز، نگارش از سرزمین ایران آغاز شده است. (۴)

امروزه نیز کارواژه های «نگاشتن» و «نگاریدن» به جای کارواژه «نوشتن» در زبان فارسی به کار می رود. «نوشتن» نیز در فارسی باستان دارای یک ریشه ی فعلی «پیش paish» و یک پیشوند فعلی «نی ni» است. (۵) و با نام ایزد «نبو» در پیوند است. (۶)

سنجش میان ریشه ی فعل نوشتن در فارسی باستان، «پیش» و واژه ی «پیچ»، معنی واژه نوشتن را آشکار می کند و آن، پیچیدن توماری است که روی آن نگاشته شده است. (۷)

«تعداد فراوان تصویرها و عدم امکان نقش کردن مسایل عاطفی، کمبودهای این روش نگارش بود. کم کم تصویرها شکل ساده تر و نمادین تری به خود گرفتند و برای مفاهیم عاطفی، علائمی قراردادی وضع شد، مثلاً نقش دو پا نشانه راه رفتن و چشم اشک آلود نشانه ی اندوه بود. مجموعه ی این تلاش ها نوعی خط اندیشه نگار را در دسترس نگارندگان قرار داد.» (۸)

این چنین بود که خط هیگرولیف پدید آمد که گستره ی انتشار آن بیشتر در مصر بود و این نام از سوی یونانیان به این خط داده شده است که در زبان یونانی به معنی نوشته ی نشانه های مقدس است و این نام را بدان دادند چون برای

ایشان پر از شگفتی و راز و رمز های ناشناخته بود. پیشینه ی خط هیروگلیف تا هزاره چهارم پیش از میلاد میرسد. این خط بر پاپیروس نوشته می شد. (۹) این خط بیشتر افقی و از راست به چپ نوشته می شود و به ندرت از چپ به راست و گاهی از بالا به پایین ، تصویر انسان ها و حیوانات رو به آغاز خط دارد. (۱۰) که بعدها به سادگی می گراید و دو نوع خط هیراتیک (دینی) و دموتی (مردمی) از آن پدید می آید. (۱۱)

خط بی نگاره یا خطی که مراحل تکامل خود را طی کرده و به خط معنای امروزی خط رسیده است در کاوش های دره هلیل رود بلوچستان پیدا شده است که زمان آن به پانصد سال پیش از آغاز خط های سومری می رسد. (۱۲) سومری ها که ایرانیانی بوده اند که از سرزمینهای کوهستانی شمال ایران کوچیده (۱۳) و در هزاره ی چهارم پیش از میلاد به میان رودان رسیده بودند، از نخستین اقوامی هستند که به ضبط گفتار ها و اندیشه های خود اقدام کردند و برای این کار، خط میخی را برگزیدند. (۱۴)

خط میخی آغازین سومری ها به هیروگلیف شباهت دارد و این یعنی که در اصل نوعی تصویر نگاری بوده است که آن را بر روی لوح نقش می کرده اند و رفته رفته تصویر ها حالت ساده تر و زاویه مانند به خود گرفتند و سرانجام نشانه های تشکیل دهنده ی آن به ریخت میخ در آمدند. (۱۵)

«از خط میخی سومری نخستین، خط میخی ایلامی منشعب می شود که برای نگارش زبان ایلامی که جزو زبان های منفرد است به کار می رود.» (۱۶)

«خط میخی اکدی (بابلی) نیز از منشعبات همین خط است. خط میخی به جز منطقه ی بین النهرین در گستره ی وسیعی رواج می یابد: در آسیای صغیر و بین النهرین شمالی و در میان هیتی ها، هوری ها، اورارتو ها، کاسی ها و غیره» (۱۷)

«خط میخی کتیبه های فارسی باستان دوره ی هخامنشی از روی میخی بابلی و ایلامی درست شده است که نسبت به آن ها علایم ساده تر و کمتری دارد. (۱۸) این خط از چپ به راست و به ترتیبی که در سانسکریت متداول است، نوشته می شود، و دارای ۳۶ علامت است. و همه ی این نشانه ها به جز سه نشانه صدا دار، هجایی هستند، و از میان این نشانه های هجایی، ۲۲ نشانه دارای فتحه و چهار نشانه داری کسره و هفت تای دیگر دارای ضمه هستند. همه ی نشانه های پارسی باستان به صورت عمودی یا افقی رسم میشده و هفده تا از آنها نیز دارای یک یا دو زاویه قائمه بوده است. همه واژه ها توسط یک نوع علامت ممیز از همیدگر جدا می شده، هرچند که در برخی کتیبه های کوچک این قاعده رعایت نشده است و به جز این نشانه ی ممیز، نشانه های مورب چنان که در خطهای میخی ایلامی و بابلی موجود است، دیده نمیشود. (۱۹)

خط میخی پارسی باستان تا اواخر سده هجدهم کاملاً ناشناخته بود تا این که در سال ۱۸۰۲ دانشمند آلمانی به نام "گروتفند" (۲۰) توانست ده نشانه این خط را بیابد و در سال ۱۸۲۷ یک افسر انگلیسی به نام "راولین سن" (۲۱) همه ی نشانه های میخی پارسی باستان را خواند و برگردان کامل کتیبه ی بیستون را به انجمن آسیایی سلطنتی (۲۲) در لندن ارائه داد و ده سال بعد، با تجدید نظر (راولین سن) منتشر شد. (۲۳)

« در هزاره دوم پیش از میلاد خط دیگری در میان فینیقی ها که از کرانه های خلیج فارس کوچیده بودند (۲۴) پا به عرصه وجود می گذارد و آن خط فینیقی است. قدیمی ترین نمونه ی این خط در کاوش های شهر گوبله، از شهرهای فینیقه باستان (حوالی سوریه کنونی) که یونانیان آن را بیلوس می نامیدند، به دست آمده است. (۲۵) الفبای این خط ۲۲ نشانه داشت که تنها صامت ها را نشان می داد و از راست به چپ نوشته می شد و نشانه هایی از خط مصری باستان و خطوط تصویری را در آن می توان یافت. خط فینیقی بعد ها از طریق یونان به غرب رفت و با دگرگونی هایی مورد استفاده قرار گرفت و بر اساس خط یونانی، خط لاتین پدید آمد. (۲۶)

خط آرامی نیز از فرزندان خط فینیقی است که به سرعت در خاور میانه پخش شد. (۲۷) خط و زبان آرامی که به سرعت در قلمرو گسترده ای رواج یافته بود در امپراتوری هخامنشی نیز به عنوان زبان دیوانی به کار رفت و به همراه فارسی باستان و خط میخی در نامه ها و اسناد دولتی به کار گرفته می شد و بدین صورت بود که نام به زبان هر استانی خوانده می شود و دبیر آرامی زبان آن را به زبان و الفبای آرامی می نوشت و نامه به آن استان فرستاده میشد و در آن جا دبیران، آن را به زبان همان استان بر می گرداندند و می خواندند. پس از دوران هخامنشی، در دوره ای کوتاه، زبان و خط یونانی در نامه های اداری به کار رفت تا این که در زمان اشکانیان، خط پهلوی اشکانی برای نوشتن زبان پهلوی اشکانی پایه ریزی شد و سپس خط پهلوی ساسانی به وجود آمد که هر کدام گونه هایی کتیبه ای و تحریری دارند. این خطوط، صامت نگارند و شمار نشانه های آنها از الفبای آرامی کمتر هست و از راست به چپ نوشته می شوند. (۲۸) از میانه ی دوران اشکانی خط پهلوی به عنوان خط ملی ایرانی، در مقابل خطهای دیگر مانند یونانی و برهمنائی، شناخته شده بود و به همین سبب ساسانیان نیز آن را نگهداشتند و ادامه دادند. خط پهلوی را می توان شامل سه نوع دانست:

۱- پهلوی شمال شرقی که خط قوم پرتوی یا اشکانی بوده و بیشتر روی سکه ها و مهر های شاهان این خاندان دیده می شود.

۲- پهلوی جنوب غربی (خط پارسی میانه) یا خط ساسانی همان گونه که دو صورت داشته: یکی خط کتیبه ها، یعنی خطی که در سنگ نوشته و سکه به کار می رفته و دیگری خط تحریری که نام و کتاب را با آن می نوشتند.

۳- خط پهلوی شرقی که تنها صورت تحریری از آن در دست است و در نوشتن بعضی از زبانهای شرقی ایرانی میانه استعمال شده است. (۲۹)

حمزه ی اصفهانی از قول محمد موبد معروف به ایوب جعفر متوکلی می نویسد (۳۰):

«خط فارسی گوناگون است و هفت نوع دارد، و گفته اند که ایرانیان در روزگار فرمانروایی خود انواع مقاصد خویش را به هفت نوع خط می نوشته اند که نام آنها: رم دفیره، نیم گشته دفیره، فرورده دفیره، دین دفیره، وسف دبیره بوده است.

اما معنی «رم دفیره» خط عام است، و معنی «گشته دفیره» خط دیگرگون شده؛ معنی «نیم گشته دفیره» خطی است که نیم از آن دیگرگون شده باشد؛ و معنی «فرورده دفیره» خط فرمان و نامه است؛ و معنی «راز دفیره» خط اسرار و ترجمه هاست؛ و «دین دفیره» خط دینی است که به آن قرآن خود نوشته های شرعی دین خود را می نوشتند؛ و معنی «وسف دفیره» مجموعه خطوط است که خطی بود شامل لغت ملتپایی از رومی و قبطی و بربری و هندی و چینی و ترکی و نبطی و عربی» (۳۱)

ابن ندیم نیز خطهای ایران باستان را هفت نوع دانسته که از قول ابن المقفع نقل میکند. از آن جمله «ویش دبیره» است که شاید همان «وسف» دبیره باشد در نوشته ی حمزه باشد و می گوید که «آن سید و شصت و پنج حرف

است که کتابهای فراست وزجر (یعنی تأفل و تطیر) و خریر آب و طنین گوش و اشاره های چشم و ایما و چشمک و آنچه بدین ماند، با آن نوشته می شود.» (۳۲)

دبیره اوستایی که برای نوشتن کتاب دینی زردشتیان به کار رفته است و یکی از کامل ترین خط های جهان است، بر اساس خط پهلوی ساسانی ساخته شده است. این دبیره، آوانگار است و با ۵۳ یا ۵۸ نشانه صامت یا مصوت از توانایی نگارشی بسیار بالایی برخوردار است. از راست به چپ نوشته می شود و به نامهای دین دبیره و دین دبیره و دین دبیره و .. هم نامیده میشود. (۳۳) در نخستین سده های اسلامی، برای آسانی در خواندن متون پهلوی، آن را به الفبای اوستایی برگرداندند و این نحوه ی نگارش پازند خوانده شد. (۳۴)

در دوره ی میانه، مانی نیز خطی را بر اساس خط سریانی اختراع کرد که در آثار مانوی به کار رفته است و روشن و خوانا است. خط سریانی از فرزندان خط آرامی به شمار می آید (۳۵)

نوشته هایی که از زبان سغدی (۳۶) به ما رسیده است به خطوط سغدی مانوی، سغدی مسیحی و سغدی بودایی نوشته شده که این خط نیز از فرزندان شاخه دیگر خط آرامی است. (۳۷)

خط عبری نیز که پیشینه ی زبانی اش به سده چهارم پیش از میلاد می رسد از اصل آرامی گرفته شده است و خط عبری نیز توسط نبطیان از خط آرامی گرفته شده است. (۳۸)

«ایرانیان نیز در سده های نخستین پس از اسلام، با افزودن حروف فارسی به الفبای عربی، خط فارسی را بر مبنای خط نسخ پایه گذاری کردند و سپس خط نستعلیق و خط شکسته و دیگر خطوط ایرانی ابداع شد.» (۳۹) «نیز در اثر تفنن و هنرنمایی های خوشنویسان، گونه های مختلفی از خط فارسی و عربی پدید آمد که بعضی از آنها از راه تفنن با رعایت تناسب، به گونه ای از نوشته های غیر عادی همچون منشور ها یا کتیبه ها و مانند آنها اختصاص یافت.» (۴۰)

پانویس

- ۱، تاریخ زبان فارسی، محسن ابوالقاسمی، رویه ۴۳
- ۲، زندگی و مهاجرت آریاییان، فریدون جنیدی، رویه ۸۲
- ۳، نبو: ایزد نویسندگی، مرز مزدایی، امید عطایی فرد، رویه ۱۳۵
- ۴، خط در استوره ها، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۴۰۶
- ۵، راهنمای ریشه فعلهای فارسی دکتر محمد مقدم و تاریخ زبان فارسی
- ۶، نبو: ایزد نویسندگی، مرز مزدایی، امید عطایی فرد، رویه ۱۳۵
- ۷، زندگی و مهاجرت نژاد آریا، فریدون جنیدی رویه های ۸۳ و ۸۴
- ۸، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۷
- ۹، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۷
- ۱۰، زبانهای خاموش، فریدریش، یوهان، ترجمه دکتر ثمره و دکتر قریب، رویه ۵
- ۱۱، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۸
- ۱۲، زندگی و مهاجرت نژاد آریا، فریدون جنیدی، رویه ۸۳
- ۱۳، ایران بزرگ، امیر عطایی فرد، رویه ۵۵

- ۱۴، زبانهای خاموش، فریدریش، یوهان، ترجمه دکتر ثمره و دکتر قریب، رویه ۱۰
- ۱۵، زبانهای خاموش رویه ۳۹ و همچنین اسطوره تا تاریخ از مهرداد بهار، رویه ۲۵۸
- ۱۶، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۹
- ۱۷، زبانهای خاموش رویه ۴۸
- ۱۸، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۹
- ۱۹، فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، رلف نارمن شارپ رویه ۲ و ۳
- ۲۰، ۱۸۵۳-۱۷۷۵ Georg Friedrich Grotefend, Sir Henry Creswicke Rawlinson. 1810-1895. ۲۱ Society Royal Asiatic. ۲۲
۲۳. فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی، رلف نارمن شارپ رویه ۱
- ۱۲۴، ایران بزرگ، امید عطایی فرد، رویه ۹۱،
- ۲۵، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۹
- ۲۶، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار، رویه ۱۹
- ۲۷، دایره المعارف فارسی، جلد ۱، احمد تفضلی رویه ۲۸۷ تا ۲۸۹
- ۲۸، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، ژاله آموزگار و احمد تفضلی، رویه ۴۴ تا ۵۰
- ۲۹، تاریخ زبان فارسی، جلد اول، پرویز ناتل خانلری، رویه ۲۸۸
- ۳۰، به نقل از تاریخ زبان فارسی، جلد اول، پرویز ناتل خانلری، رویه ۲۸۸
- ۳۱، التنبیه علی الحدوث التصحیف. چاپ بغداد. ۱۳۸۷. ه. رویه های ۶۴ و ۶۵،
- ۳۲، تاریخ زبان فارسی، جلد اول، پرویز ناتل خانلری، رویه ۲۸۹،
- ۳۳، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار رویه های ۲۱ و ۲۲،
- ۳۴، ژاله آموزگار، «گزارشی از پازند»، مجله دانشکده ادبیات تهران، سال بیست و سوم، شماره چهارم ۱۳۵۵، رویه ۱۴ تا ۱۹
- ۳۵، تاریخ زبان فارسی، محسن ابوالقاسمی، رویه ۱۵۴
- ۳۶، درباره زبان سغدی نگاه کنید به مقاله "زبانهای ایرانی میانه" از نگارنده (یزدان صفایی) در شماره آبان ۸۸ امردادنامه
- ۳۷، فرهنگ سغدی، بدرالزمان قریب، رویه ۲۴ تا ۲۹
- ۳۸، تاریخ زبان فارسی، محسن ابوالقاسمی رویه ۱۵۵
- ۳۹، تاریخچه ای از نگارش و خط، زبان فرهنگ استوره، ژاله آموزگار رویه ۲۳
- ۴۰، گزارشی درباره ی خط و قلم در ایران، مرز مزدایی، امید عطایی فرد، رویه